

نگاهی به دستاوردها و تأثیرات انقلاب اسلامی در عرصه بین الملل

انقلابی در نظم جهانی

دکتر علیرضا زضاخواه

info@khorasannews.com

انقلاب یکی از پدیده‌های عظیم و نادر در حیات اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ آن‌گونه که نادر پودنش سبب ضعف در شناسایی و عظیم‌بودنش موجب موضع‌گیری‌های متناقض در برابر آن شده است. نکته مهم در تحلیل این پدیده، اصل تنوع و کثرت در حدود و ماهیت انقلاب‌هاست. به‌بیانی دیگر، هر انقلابی با توجه به نگرش رهبران خاستگاه‌های سیاسی و اجتماعی‌آن، از ماهیتی بر‌خور دار است که هویت و اهداف مطلوب آن را ترسیم می‌کند. انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی ارزش‌محور و فرهنگی نه‌تنها ریشه در اعتقادات اسلامی داشت بلکه محرک و هدف خود را در دین جست‌وجو می‌کرد. امری که با توجه‌به روند دین‌زدایی از جوامع محدود جغرافیایی‌را در دوره دوم و پیام اصلی حرکت عکسوس در مسیر تحقق اهداف نظام مسلم محسوب‌می‌شد. بنابراین از همان‌روزهای آغازین‌شاهد مخالفت‌های جدی قدرت‌های استکباری با حرکت عظیم مردم ایران بودیم. با این حال، اندیشه عنوان اسلامی‌به‌عنوان نمونه‌ای جدید و منحصربه‌فرد از نظام حکومتی در چشم‌انداز جهانی، که از سرچشمه لال اسلام ناب‌نشأت گرفته بود، توانست در زمانی کوتاه مرزهای محدود جغرافیایی‌را درنوردد و پیام اصلی خود را که همانا مبارزه با ظلم و ستم و برپایی حکومتی عادلانه بود، به دورترین نقاط جهان برساند. از دیگر سو، انقلاب اسلامی با شکستن انحصارگرایی در عرصه روابط بین‌الملل و برهم‌زدن معادلات‌انقلابی و منطقه‌ای توانست اعتماد به نفس را در مسلمانان تقویت کند و با شالوده‌ریزی نظم بین‌الملل فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری براساس سیاست «نه شرقی نه غربی» بارقه امید را در دل میلیون‌ها مسلمان و مستضعف جهان ایجاد کند. اگر بخواهیم دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران را بررسی کنیم، بی‌شک در کنار دستاوردهای داخلی، دستاوردهای بین‌المللی عظیمی جلوه می‌کند که هر یک به تنهایی برای موفقیت دانستن انقلاب قابل استناد است. در این مقاله، تلاش خواهیم کرد در سه گفتار مجزا به دستاوردهای انقلاب اسلامی چه از حیث نظری و چه از حیث کاربردی در حوزه روابط بین‌الملل بپردازیم. گفتار اول با عنوان «نسبت انقلاب و تحولات بین‌المللی»، نگاهی اجمالی خواهد داشت به دو شیوه متمایز اثرگذاری انقلاب‌های جهان شمول و ملی در عرصه بین‌الملل؛ در گفتار دوم، تأثیرات نظری انقلاب اسلامی در حوزه روابط بین‌الملل با عنوان 'انقلاب اسلامی، یک فکر نظریه در عرصه بین‌الملل' بررسی خواهد شد و در گفتار سوم با عنوان 'انقلاب اسلامی و ضرب نفوذ منطقه‌ای' به دستاوردهای عملی انقلاب اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل اشاره می‌شود.

انقلاب یکی از پدیده‌های عظیم و نادر در حیات اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ آن‌گونه که نادر پودنش سبب ضعف در شناسایی و عظیم‌بودنش موجب موضع‌گیری‌های متناقض در برابر آن شده است. نکته مهم در تحلیل این پدیده، اصل تنوع و کثرت در حدود و ماهیت انقلاب‌هاست. به‌بیانی دیگر، هر انقلابی با توجه به نگرش رهبران خاستگاه‌های سیاسی و اجتماعی‌آن، از ماهیتی بر‌خور دار است که هویت و اهداف مطلوب آن را ترسیم می‌کند. انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی ارزش‌محور و فرهنگی نه‌تنها ریشه در اعتقادات اسلامی داشت بلکه محرک و هدف خود را در دین جست‌وجو می‌کرد. امری که با توجه‌به روند دین‌زدایی از جوامع محدود جغرافیایی‌را در دوره دوم و پیام اصلی خود را که همانا مبارزه با ظلم و ستم و برپایی حکومتی عادلانه بود، به دورترین نقاط جهان برساند. از دیگر سو، انقلاب اسلامی با شکستن انحصارگرایی در عرصه روابط بین‌الملل و برهم‌زدن معادلات‌انقلابی و منطقه‌ای توانست اعتماد به نفس را در مسلمانان تقویت کند و با شالوده‌ریزی نظم بین‌الملل فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری براساس سیاست «نه شرقی نه غربی» بارقه امید را در دل میلیون‌ها مسلمان و مستضعف جهان ایجاد کند. اگر بخواهیم دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران را بررسی کنیم، بی‌شک در کنار دستاوردهای داخلی، دستاوردهای بین‌المللی عظیمی جلوه می‌کند که هر یک به تنهایی برای موفقیت دانستن انقلاب قابل استناد است. در این مقاله، تلاش خواهیم کرد در سه گفتار مجزا به دستاوردهای انقلاب اسلامی چه از حیث نظری و چه از حیث کاربردی در حوزه روابط بین‌الملل بپردازیم. گفتار اول با عنوان «نسبت انقلاب و تحولات بین‌المللی»، نگاهی اجمالی خواهد داشت به دو شیوه متمایز اثرگذاری انقلاب‌های جهان شمول و ملی در عرصه بین‌الملل؛ در گفتار دوم، تأثیرات نظری انقلاب اسلامی در حوزه روابط بین‌الملل با عنوان 'انقلاب اسلامی، یک فکر نظریه در عرصه بین‌الملل' بررسی خواهد شد و در گفتار سوم با عنوان 'انقلاب اسلامی و ضرب نفوذ منطقه‌ای' به دستاوردهای عملی انقلاب اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل اشاره می‌شود.

انقلاب یکی از پدیده‌های عظیم و نادر در حیات اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ آن‌گونه که نادر پودنش سبب ضعف در شناسایی و عظیم‌بودنش موجب موضع‌گیری‌های متناقض در برابر آن شده است. نکته مهم در تحلیل این پدیده، اصل تنوع و کثرت در حدود و ماهیت انقلاب‌هاست. به‌بیانی دیگر، هر انقلابی با توجه به نگرش رهبران خاستگاه‌های سیاسی و اجتماعی‌آن، از ماهیتی بر‌خور دار است که هویت و اهداف مطلوب آن را ترسیم می‌کند. انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی ارزش‌محور و فرهنگی نه‌تنها ریشه در اعتقادات اسلامی داشت بلکه محرک و هدف خود را در دین جست‌وجو می‌کرد. امری که با توجه‌به روند دین‌زدایی از جوامع محدود جغرافیایی‌را در دوره دوم و پیام اصلی خود را که همانا مبارزه با ظلم و ستم و برپایی حکومتی عادلانه بود، به دورترین نقاط جهان برساند. از دیگر سو، انقلاب اسلامی با شکستن انحصارگرایی در عرصه روابط بین‌الملل و برهم‌زدن معادلات‌انقلابی و منطقه‌ای توانست اعتماد به نفس را در مسلمانان تقویت کند و با شالوده‌ریزی نظم بین‌الملل فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری براساس سیاست «نه شرقی نه غربی» بارقه امید را در دل میلیون‌ها مسلمان و مستضعف جهان ایجاد کند. اگر بخواهیم دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران را بررسی کنیم، بی‌شک در کنار دستاوردهای داخلی، دستاوردهای بین‌المللی عظیمی جلوه می‌کند که هر یک به تنهایی برای موفقیت دانستن انقلاب قابل استناد است. در این مقاله، تلاش خواهیم کرد در سه گفتار مجزا به دستاوردهای انقلاب اسلامی چه از حیث نظری و چه از حیث کاربردی در حوزه روابط بین‌الملل بپردازیم. گفتار اول با عنوان «نسبت انقلاب و تحولات بین‌المللی»، نگاهی اجمالی خواهد داشت به دو شیوه متمایز اثرگذاری انقلاب‌های جهان شمول و ملی در عرصه بین‌الملل؛ در گفتار دوم، تأثیرات نظری انقلاب اسلامی در حوزه روابط بین‌الملل با عنوان 'انقلاب اسلامی، یک فکر نظریه در عرصه بین‌الملل' بررسی خواهد شد و در گفتار سوم با عنوان 'انقلاب اسلامی و ضرب نفوذ منطقه‌ای' به دستاوردهای عملی انقلاب اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل اشاره می‌شود.



گفتار اول: نسبت انقلاب و تحولات بین‌المللی

انقلاب‌ها که بزرگ‌ترین و ژرف‌ترین تحول در حوزه‌های اجتماعی به‌شمار می‌آیند، یکی از عوامل عمده در تحولات روابط بین‌الملل قلمداد می‌شوند. بالطبع همین عمق اثرگذاری ریدادهای سیاسی اجتماعی از نوع انقلابی است که پژوهشگران تاریخ و روابط بین‌المللی، آن را به دو دسته کلی تقسیم کرده‌اند. بخشی از این انقلاب‌ها به دلیل ماهیت ایدئولوژیک محدود و صرفاً یک حرکت در چارچوب مرزهای یک کشور است و دیدگاه فراملی ندارد. این مسئله درباره انقلاب‌هایی که رنگ‌ملی گرایی دارند، به خوبی قابل‌رویت است. برخی برای مبارزه برضد دیکتاتوری و در قالب حفظ منافع ملی و قومی، به دست به انقلاب می‌زنند و به هیچ‌روی، حساسیتی روی ملت‌ها و کشورهای دیگر ندارند. درست مانند ادیانی که در چارچوب قومی خاص عمل می‌کنند و هیچ تمایلی به فراگیر شدن دین خود ندارند. این گروه از انقلاب‌ها را انقلاب‌های محدود داخلی می‌نامند. در مقابل، انقلاب‌های «مادر» همچون انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ که منشاء دموکراسی و لیبرالسم جدید و اومانیسم و انسان‌مداری را برای بشر به ارمغان آورد و انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه که سوسیالیسم و نظام‌های سیاسی بلشویکی و جامعه‌مداری را به جوامع بشری عرضه داشت، قرار دارند. این دسته از انقلاب‌ها به لحاظ دوامت و نفوذ و تأثیرات، نه تنها به مسائل داخلی توجه دارند بلکه به‌سط اندیشه انیشتی خود در فراسوی مرزهای ملی نیز می‌اندیشند. جنبش‌هایی که به نوعی دیدگاه انترناسیونالیستی دارند، در این بخش جای می‌گیرند. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ از نوع دوم انقلاب‌ها بود. انقلابی که داعیه جهان‌شمولی داشته و نگاهی فراتر از مرزهای جمهوری اسلامی ایران را برای خود ترسیم کرده است. این انقلاب نظام سیاسی بر مبنای عدالت‌خواهی، خدامداری و معنویت را به انسان معاصر ارزانی داشت و بر خلاف انقلاب‌های فرانسه و روسیه که با ایدئولوژی دست‌ساز به بشر توفید خوشبختی را دادند، انقلاب اسلامی، دین ایدئولوژی الهی را به عنوان یک الگوی آرمانی و عملی متناسب با فرهنگ بشری ارائه کرد که به تحولات بسیاری در ابعاد نظری و عملی و تحولات بین‌المللی در سطوح منطقه‌ای و جهانی منجر شد. انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی الهی، فراگیر و مبتنی بر مدار فطرت پاک بشری، توانست اهمیت توحید را برافرازی را به منصفه ظهور رساند و به عنوان انقلابی در ارزش‌ها و هنجارهای به‌هنگ ساز ی در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مبارزات کند. این نهضت درهنگی توانست موجب قیادت گفتمانی باشد که خرد گفتمان‌ها را در درون خود مستحیل سازد و ضمن مفهوم سازی و باز

بین‌المللی است، در حالی که براساس هنجارها و آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران، حفظ وضع موجود عین بی‌ثباتی است و مهم‌ترین علل بروز خشونت‌ها و ناآرامی‌های بین‌المللی، ناشی از سیاست قدرت و بازی قدرت‌های بزرگ برای اعمال سلطه بر ملت‌های محروم و تمعقیر روابط و وابستگی میان‌کشورهای پیشرفته و جهان سوم یا در حال رشد است. انقلاب ایران با نظریه پردازی در روابط بین‌الملل باعث تقویت آن دسته از ایده‌هایی شد که ثبات بین‌المللی را نه در حفظ ساختار بین‌المللی، بلکه در تغییر و تحول در آن می‌دانند. تحولی که در آن امکان ایفای نقش همه دولت‌ها در ساخت محیط با ثبات فراهم آید. بر این اساس، می‌توان گفت که پذیرش رهبری قدرتی بزرگ، زمانی امکان‌پذیر است که ارزش‌های مدنظر قدرت‌زهمون، مورد پذیرش همه کشورها و مردم جهان باشد یا شرایط محیط بین‌المللی و دشداست، انقلاب ایران و فرصت را برای نظام‌های ارزشی مختلف فراهم کند که هر یک از آن‌ها بتوانند در راه حل‌های مشترک جهانی ایفای نقش کنند. از سوی دیگر، نگاهی به ادبیات ژئالستی نشان می‌دهد قدرت در نظام بین‌الملل از جایگاه محوری بر‌خور دار است و دیپلماسی با توجه به مؤلفه قدرت معنی می‌یابد و مهم‌ترین وظیفه آن تلاش برای کسب قدرت و حفظ آن برای دولت است. دیپلماسی سنتی و در ساختار نظام دولت ملت ایده خودیاری حاکم است و تلاش یک دولت برای صلح، تلاش دولت دیگر را برای جنگ محدود نمی‌کند. در این ادبیات، عدالت در سیاست بین‌الملل معنی ندارد. در حالی که در آموزه‌های انقلاب اسلامی از چگونگی شکل‌گیری نظم موجود به حاشیه‌راندن دشمن نقش کشورها را در حال رشد و ملت‌های زیر ستم سؤال می‌شود و این روند را تا اعدالانه و نابرابر می‌داند؛ بر این اساس، مفهوم عدالت و جایگاه آن در نظام بین‌الملل، در آموزه‌های انقلاب اسلامی نقش و اهمیت خاصی دارد. گرچه معنا و مفهوم هر بازی و عدالت می‌تواند در نزد صاحب‌نظران و سیاست‌مداران، قرائت‌های متفاوتی داشته باشد، اما به نظر می‌رسد در ادبیات نظریه‌های انتقادی و پسامدرن، توجه به آن‌ها از جایگاه خاصی بر‌خوردار است و قبل از آن، مفهوم عدالت برای هر همواره مورد توجه حقوق‌دانان و آرم‌ان‌گرایان و حامیان صلح بین‌المللی بوده است. از سوی دیگر، در عرصه کاربردی، انقلاب اسلامی با تغییر قواعد بازی، احیای تمدن اسلامی، ترویج وحدت و معرفی اسلام سیاسی، عرصه سیاست‌گذاری خارجی را متحول کرد.

ب: عدالت محوری در مقابل اصل قدرت‌مداری

ببین‌المللی است، در حالی که براساس هنجارها و آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران، حفظ وضع موجود عین بی‌ثباتی است و مهم‌ترین علل بروز خشونت‌ها و ناآرامی‌های بین‌المللی، ناشی از سیاست قدرت و بازی قدرت‌های بزرگ برای اعمال سلطه بر ملت‌های محروم و تمعقیر روابط و وابستگی میان‌کشورهای پیشرفته و جهان سوم یا در حال رشد است. انقلاب ایران با نظریه پردازی در روابط بین‌الملل باعث تقویت آن دسته از ایده‌هایی شد که ثبات بین‌المللی را نه در حفظ ساختار بین‌المللی، بلکه در تغییر و تحول در آن می‌دانند. تحولی که در آن امکان ایفای نقش همه دولت‌ها در ساخت محیط با ثبات فراهم آید. بر این اساس، می‌توان گفت که پذیرش رهبری قدرتی بزرگ، زمانی امکان‌پذیر است که ارزش‌های مدنظر قدرت‌زهمون، مورد پذیرش همه کشورها و مردم جهان باشد یا شرایط محیط بین‌المللی و دشداست، انقلاب ایران و فرصت را برای نظام‌های ارزشی مختلف فراهم کند که هر یک از آن‌ها بتوانند در راه حل‌های مشترک جهانی ایفای نقش کنند. از سوی دیگر، نگاهی به ادبیات ژئالستی نشان می‌دهد قدرت در نظام بین‌الملل از جایگاه محوری بر‌خور دار است و دیپلماسی با توجه به مؤلفه قدرت معنی می‌یابد و مهم‌ترین وظیفه آن تلاش برای کسب قدرت و حفظ آن برای دولت است. دیپلماسی سنتی و در ساختار نظام دولت ملت ایده خودیاری حاکم است و تلاش یک دولت برای صلح، تلاش دولت دیگر را برای جنگ محدود نمی‌کند. در این ادبیات، عدالت در سیاست بین‌الملل معنی ندارد. در حالی که در آموزه‌های انقلاب اسلامی از چگونگی شکل‌گیری نظم موجود به حاشیه‌راندن دشمن نقش کشورها را در حال رشد و ملت‌های زیر ستم سؤال می‌شود و این روند را تا اعدالانه و نابرابر می‌داند؛ بر این اساس، مفهوم عدالت و جایگاه آن در نظام بین‌الملل، در آموزه‌های انقلاب اسلامی نقش و اهمیت خاصی دارد. گرچه معنا و مفهوم هر بازی و عدالت می‌تواند در نزد صاحب‌نظران و سیاست‌مداران، قرائت‌های متفاوتی داشته باشد، اما به نظر می‌رسد در ادبیات نظریه‌های انتقادی و پسامدرن، توجه به آن‌ها از جایگاه خاصی بر‌خوردار است و قبل از آن، مفهوم عدالت برای هر همواره مورد توجه حقوق‌دانان و آرم‌ان‌گرایان و حامیان صلح بین‌المللی بوده است. از سوی دیگر، در عرصه کاربردی، انقلاب اسلامی با تغییر قواعد بازی، احیای تمدن اسلامی، ترویج وحدت و معرفی اسلام سیاسی، عرصه سیاست‌گذاری خارجی را متحول کرد.

ج: تغییر قواعد بازی در عرصه بین‌المللی

مهم‌ترین اثر انقلاب اسلامی در عرصه روابط بین‌الملل را می‌توان برهم‌خوردن نظام دو قطبی دهه ۸۰ میلادی بر شمرد. بررسی ایده‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی نشان می‌دهد انقلاب ایران از نظر بین‌المللی در واکنش به ساختار نظم بین‌الملل دو قطبی و ایجاد تغییر و تحول در نحوه توزیع قدرت میان کشورها رخ داد، زیرا انقلاب ایران ضد استعماری و ضد ساختاری بود و از همان ابتدا با مداخله و نفوذ قدرت‌های خارجی در ایران به مخالفت برخاست و رژیم پهلوی را به عنوان دولت دست‌نشانده، فاقد مشروعیت مردمی دانست. انقلاب ایران باعث سقوط رژیم شاه و قطع مداخله و سلطه آمریکا بر ایران شد و متعاقب آن، به‌رغم خلأ قدرت ایجاد شده، امکان بازیگری شوروی هم در نقش دولت مداخله‌گر فراهم نشد. افزون بر این، انقلاب اسلامی با بیان نظریه «نه شرقی نه غربی» توانست «ار نظام جمعی» را مبتنی بر برابری دولت‌ها و حاکمیت‌ها و تحقق حقوق الهی و انسانی ملت‌ها در نظام بین‌الملل رقم‌بندد و با احیای ظرفیت‌ها و امکانات فراموش شده ملت‌های غیر متعهد و نفی انفعال و مرعوبیت در برابر استکبار، در صدد قطع ریشه‌های وابستگی ملت‌ها به قدرت‌های بزرگ بین‌الملل برآید. جنبش عظیم مردمی در ایران، با افشای ماهیت سلطه‌گرانه و سیاست‌های یک‌جانبه گرایانه قدرت‌های بزرگ توانست خط‌بطلانی بر شکست‌ناپذیری آنان بکشد و بارقه‌های امید را در دل تمام آزادی‌خواهان و مستضعفان جهان پدیدار سازد. انقلاب اسلامی هم‌زمان به مبارزه در دو جبهه استبداد استیازی و استعمار ستیزی و نفی وابستگی پرداخت و همین امر موجب شد در هنگام استقلال خواهی و آزادی خواهی در قشرهای مختلف مردم، دولت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش رسوخ بخشد چرا که الگوی نظام سیاسی جمهوری اسلامی با دو الگوی رایج لیبرالیستی و سوسیالیستی مقابله می‌کرد و مبانی سکولاریستی، اومانیستی و ماتریالیستی را به چالش می‌کشیدو همین امر موجب شد از جایب ایدئولوژی‌های مارکسیستی و ناسیونالیستی به عنوان ایدئولوژی مبارزاتی ملت‌های آزادی‌خواه کاسته شود. از این‌رو، انقلاب اسلامی با شکوین جبهه‌ای ثالث در نظام بین‌الملل یا ارائه راه‌حل سوم در جهان آزادی‌خواه توانست با نظم بین‌الملل مادی گرایانه به مقابله برخیزد و به فرهنگ سازی در زمینه‌های استقلال طلبی و استعمار ستیزی در میان ملت‌های جهان سوم مبادرت کند. علاوه بر این تغییر قواعد بازی در عرصه بین‌المللی و به دنبال آن برهم‌زدن نظم تک‌بعدی جهان پس از فروپاشی شوروی سابق و حاکم‌انرا دنگی جدید و رفتارهای بین‌المللی از دیگر تأثیرات انقلاب اسلامی در عرصه روابط بین‌الملل است.

د: وحدت و احیای تمدن اسلامی

به اعتقاد بسیاری وجه غالب انقلاب اسلامی را می‌توان کوشش در راه احیای فرهنگ و تمدن اسلامی دانست. آرمانی که هر چند تحقق آن برای کندی دنبال می‌شود، اما هنوز دغدغه بسیاری از رهبران انقلاب است. انقلاب اسلامی با تأکید بر وحدت شیعه و سنی، تقرب مذاهب اسلامی و نفی فرقه‌گرایی مذهبی در صدد ایجاد وحدت بین ملت‌های مسلمان و احیای تمدن اسلامی برآمد. این مهم از یک سو بر مبارزه با وابستگی تکیه کرد و باورهای اصیل اسلامی و نیز آیین‌ها و مراسم سنتی دینی استوار بود که شالوده‌سازمان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امت اسلامی را به باورهای اصیل اسلام ناب محمدی و نیز فرهنگ‌ها و آیین‌های مشترک اسلام از جمله جمع اسلامی پایه‌گذاری می‌کرد و از سوی دیگر بر مبارزه‌ای منفی علیه دشمن مشترک از جمله در مراسم پراشت از مشرکین و براساس استکبار ستیزی و کوتاه کردن دست قدرت‌های جهانی از ثروت‌های ملی کشورها و احیای اسلامی استوار بود که حساسیت مسلمانان به تحولات جهان اسلام و ضرورت ارتقای روح جمعی آنان براساس مخالفت با سلطه قدرت‌های بیگانه، مبارزه با صهیونیسم و فساد ستیزی را انما ی می‌کرد. در این زمینه، احیای امت و تمدن اسلامی بر پایه قرآن، حدیث، سنت، فرهنگ و کلام اسلامی یا براساس

ویژه چهلمین فجر انقلاب



ایران حمایت معنوی و مادی کامل از حزب... لبنان می‌کند و حزب... نیز اکنون حرف‌اول و آخر را در لبنان می‌زند. در سوریه، ایران قصد دارد تا آن‌جا که منافش ایجاب می‌کند و تا آخرین لحظه از حکومت اسد حمایت کند و تاکنون نیز در این راه، ثابت‌قدم بوده است. درباره یمن نیز کاملاً روشن است که ایران برای نفوذ در این کشور، برنامه دارد و برنامه‌ی گام‌طرح‌راییش می‌برد. همچنین ایران برنامه‌ای برای الحاق مصر به جمع کشورهای متحد خود در منطقه دارد. تحلیل گران اروپایی معتقدند که به‌زودی شاهد قدرت‌نمایی ایران در سراسر منطقه غرب آسیا خواهیم بود. آن‌ها به‌هیچ‌وجه بعید نمی‌دانند که در آینده‌ای نزدیک، ایدئولوژی ایرانی به یکی از بارزترین ایدئولوژی‌های خردار منطقه‌ای تبدیل و ایران صاحب جایگاهی نفوذتأثیرگذار در منطقه غرب آسیا شود. به همین دلیل، آن‌ها توصیه می‌کنند که خود را برای ایرانی قدرتمند در منطقه غرب آسیا، آماده‌یاب‌مبادکرو به‌همکاری با این کشور را از هم‌اکنون بگشاییم. «مجله فارین‌پالیسی» درباره نفوذ ایران در ریمین در مطلبی با عنوان «حوزه نفوذ ایران به یمن رسید» می‌نویسد: «جنبش انصارا... تلاش می‌کند الگویی مشابه حزب... لبنان را در یمن پیاپی کند...، خداداهای یمن تأثیراتی فراتر از مرزهای این کشور دارد. باب‌المنذب یکی از تنگه‌های کلیدی است که از طریق خلیج عدن، دریای سرخ را به اقیانوس هند متصل می‌کند. این تنگه اصلی‌ترین مسیر انتقال نفت در جهان و رگ حیاتی کششتری در کانال سوئز است. اگر حوثی‌ها بر باب‌المنذب و بندر الحدیده، که آن‌هم یکی از مسیرهای دریایی کلیدی است، تسلط یابند، می‌توانند در دردیابی از کانال سوئز و خلیج فارس را کنترل کنند. این مسئله چشم‌اندازی هشداردهنده برای کسانی است که از افزایش نفوذ ایران در منطقه نگران هستند.»

ج: نفوذ از جنسی متفاوت

با این حال، باید تأکید کرد که نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه، نفوذی گفتمانی و از جنسی متفاوت با سلطه‌طلبی غربی است. حضور و نفوذ جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه غرب آسیا، سه‌وجه مکمل دارد. وجه اول، در فرهنگ دینی با تأکید بر وحدت شیعه و سنی و پرهیز از طایفه‌گرایی است که میان ایران و مردم منطقه، نوعی



همبستگی به‌وجود می‌آورد. وجه دوم، فرهنگ سیاسی و الگوی مردم‌سالاری دینی است که به‌عنوان الگویی بومی، برای تلقیق دین و دموکراسی و در مقابل الگوی لیبرال-دموکراسی غربی، مطرح شده است. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ توانست برای اولین بار حکومتی بر مبنای اصول اسلامی به‌وجود بیاورد و این یعنی تولد یک پیشاهنگ برای جنبش‌های اسلامی که سال‌ها بود دچار رکود و در جازدگی شده بودند. انقلاب اسلامی ایران به حرکت‌ها و نهضت‌های جهان اسلام و انسجام و به‌باورهای فکری و نظری این جنبش‌ها عینیت بخشید. وجه سوم، استکبار ستیزی جمهوری اسلامی ایران و بهرسمیت شناختن رژیم صهیونیستی است. گفتمانی که بیشترین طرفدار را در میان توده‌های محروم منطقه غرب آسیا دارد. استکبار از دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام، وجود نوعی به‌استضعاف یکشاند. انقلاب کرامت و موج جدید بیداری اسلامی در منطقه گواهی بر نفوذ گفتمان استکبار ستیزی در میان ملت‌های منطقه است. این ویژگی‌های سه‌گانه باعث تقویت نفوذ جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه می‌شود. مثلی که ستون‌های اصلی قدرت نرم ایران را در منطقه غرب آسیا شکل می‌دهند. از همین روست که می‌توان مدعی شد نفوذ ایران با نفوذ غرب در منطقه متفاوت است. اصولاً غرب به‌واسطه حضور نظامی در منطقه، زمینه‌ساز نفوذ در دولت‌های آن‌ها شده است. شاید از همین روست که دولتشده «امریکن اینتر پرایز» در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند. این‌ها نمونه‌های عیان و قابل مشاهده هستند و از این قبیل نمونه‌ها در منطقه بسیار وجود دارد. روزنامه «النهار» درباره دامنه نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا می‌نویسد: «در عراق می‌بینیم که ایران از پس‌رقیای خود برآید. در یمن، الحوثی‌ها(انصارا...) به حاکم ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند. در بحرین، جنبش الوفاقی به ایران بسیار تمایل دارد. همچنین در کویت و عربستان نیز گروه‌های بسیاری هستند که ایران را ملجأ و منبع قدرت و فکر خود می‌دانند.